

## روایتی متفاوت و خلاق از مزار حاج قاسم

۱۹ سال از ۱۹ دی ۱۳۸۴ که سردار احمد کاظمی با هم‌زمانش پر کشیدند

۱۹ سال از ۱۹ دی ۱۳۸۴ که سردار احمد کاظمی با هم‌زمانش پر کشیدند، می‌گذرد



کردستان او را به عنوان یک چریک، برای بازگشت به ایران بی‌قرار می‌کند و شاید بیش از همه کوهستان‌های کردستان، ناحیه مرزی‌ای که برخلاف دیگر سرزمین‌هایی که برای جنگیدن تخت‌تر رساده‌تر هستند، پرازمرزو راز است؛ سریع، ساکت، سرد و وسیع، محل جدال‌های پنهان. اگر چه پادشمن، بیشتر با خوشنشین، برای همین است که در افسانه‌ها، کوه، پویو، زندگانه زمین و آسمان است. کردستان، نقطه عطفی است برای احمد، دوستی تاخار و پراز ننگین او با حسین خزاری در همین کردستان شکل می‌گیرد. در کوهستان، در پیوندگای زمین و آسمان.

**فرزند درد** 

## هاله زرین خاکی رنگ

## میدان جنگ کجاست؟

**چسبیده بود به فیاضیه**

زادن لشکرهشت نجف 

متن کامل

A black and white portrait of a young man with dark hair, wearing glasses and a plaid shirt. He is looking down and to the left.دستی که یاد گرفته بود مشت شود 

**نقطه عطفی برای احمد**

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد. همچنین هیچ عددی در یک سطر یا ستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

[illegible]

			9	5			
		3			4		
	1		4			8	
9			3	8			7
		2			1		
4			6	7			3
	4			9		1	
		8			9		
			8	3			

			Y	5			
		2			8		
	1			3		4	
9			7	6			5
		4			3		
Y			6	3			9
	4		8			3	
		8			Y		
			5	4			

و حیرت درمی آمد، از گنجی و ماتی دور می شد و رنگ می گرفت. شافاتر و خالص تر و آراسته تر خودش را نشان را می داد و آن هاله، مردم بودند؛ حضور چند ده نفره نیروهای مادی در کنارش، که خود جوش، او را به فرماندهی پذیرفته بودند. همین هاله زین خرمی بود که در اولین تجربه های فرماندهی او، توانسته بود در روزهای دشمن رسوخ کند، و غبار نباشد توی چشم های دشمن و خیال خوش او را به کاپوس تبدیل کند.

در دنیای ملتهب، ناشناخته، خشن و خونین مردانه ابتدای جنگ، یک روایت مبالغه‌آلود وجود دارد، روایت مادرانه‌ای که ناچار، خیلی زود، دوباره به یک روایت مردانه تبدیل می‌شود. اسسش را گذاشته‌اند بنیان گذاشتن یا بایه‌گذاری لشکر هشت نجف. اما تعریف درستش، زادن است؛ به دنیا آوردن. او در روزهای ابتدایی جنگ، لشکر هشت نجف را به دنیا آورد. اگر مادر موسی، فرزندش را در آب‌ها رها کرد؛ او، فرزندش را در خاک‌ها رها کرد. رها کردن، همان وعده صادقی است برای برآمدی و رستگاری.

رابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق نهران بزرگ 